



اول ماه مه روز قدرت‌نمایی اردوی کار در برابر اردوی سرمایه

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه

رفقای کارگر!

امسال، اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران تمام کشورهای جهان در حالی فرارسیده است که نظام سرمایه‌داری جهانی، با یکی از عمیق‌ترین بحران‌های اقتصادی خود روبه‌روست.

عمق وسعت این بحران نشانه روشنی از ورشکستگی، بن‌بست و زوال نظامی‌ست که دوران آن از مدت‌ها پیش سپری شده و اکنون آشکارتر از هر زمان دیگر، فریاد برآورده است که این نظام جهانی، بیش از آن گندیده و فرسوده است که بتواند دوام آورد. باید برود و جای‌اش را به یک نظم انسانی سوسیالیستی، جهانی بدون طبقات ستمگر و ستم‌دیده، استثمارگر و استثمار شونده بسپارد که رسالت استقرار آن بر دوش طبقه کارگر جهان قرار گرفته است.

طبقه سرمایه‌دار تمام کشورهای جهان و دولت‌های پاسدار منافع آنها، به روال بحران‌های گذشته در تلاش‌اند، تمام سنگینی بار این بحران را بر دوش کارگران قرار دهند. تنها در چند ماه گذشته، ده‌ها میلیون کارگر در سراسر جهان به اردوی عظیم بیکاران، این قربانیان نظم سرمایه‌داری پیوسته‌اند. سطح زندگی کارگران در همین مدت شدیداً تنزل نموده و صدها میلیون کارگر و زحمتکش جهان با فقر و گرسنگی روبه‌رو شده‌اند. اما این عواقب وحشتناک بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری از جانب طبقه کارگر بی پاسخ نمانده است.

همراه با بحران و تعمیق آن، مبارزات کارگران در کشورهای مختلف جهان پیوسته تشدید شده و اعتلاء یافته است. در همین چند ماه اخیر، کارگران تعدادی از پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری، با برپائی اعتصابات، راهپیمائی‌ها و تظاهرات میلیونی، به مقابله با تعرضات و اقدامات ارتجاعی سرمایه‌داران برخاسته‌اند. طبیعی‌ست که با عمیق‌تر شدن بحران، این واکنش طبقاتی کارگران، ابعاد وسیع‌تری به خود بگیرد و مبارزات طبقاتی در ابعاد گسترده‌تر و حادث‌تر رخ دهد. تشدید مبارزه طبقاتی، ضرورتی چنان اجتناب‌ناپذیر در اوضاع کنونی جهان است که حتا سران دولت‌های بورژوائی و دیگر سیاستمداران نظم موجود نیز، از هم اکنون وقوع "ناآرامی‌های" گسترده سیاسی را در بطن این بحران پیش‌بینی کرده‌اند.

واقعیت این است که بحران کنونی جهان سرمایه‌داری چنان ژرف و گسترده است که طبقه سرمایه‌دار جهانی به سادگی قادر به غلبه بر آن نیست. این، بحرانی‌ست که یا طبقه کارگر جهان باید با برپائی انقلاب سوسیالیستی آن را به شیوه‌ای انقلابی حل کند و بشریت ستم‌دیده را یک‌بار برای همیشه از شر نظام طبقاتی سرمایه‌داری و فجایع آن نجات دهد، یا بورژوازی به شیوه‌ای بربر منشانه، از طریق تباهی گسترده نیروهای مولده، فقر، جنگ، کشتار و نابودی میلیون‌ها انسان، در یک کلام به قهقرا راندن

بشریت، موقتاً آن را مهار نماید. لذا تاریخ بار دیگر طبقه کارگر جهان را برای اجرای رسالت تاریخی‌اش، به مبارزه‌ای قطعی برای دگرگونی نظم موجود و نجات بشریت فراخوانده است.

کارگران مبارز!

انجام این رسالت تاریخی وظیفه‌ایست بالفعل، پیشروی تمام گردان‌های طبقه کارگر در همه کشورهای سرمایه‌داری جهان. این وظیفه‌ایست در مقابل طبقه کارگر در ایران که همچون تمام هم‌زنجیران خود در سراسر جهان، خواهان برافزاندن نظام ستمگرانه سرمایه‌داری و استقرار نظامی سوسیالیستی در مقیاسی جهانی‌ست. نقش طبقه کارگر ایران از آن‌رو به ویژه در این مبارزه جهانی کارگران برجسته می‌شود که سرمایه‌داری ایران یکی از حلقه‌های ضعیف سرمایه‌داری جهانی‌ست. چرا که در اینجا مجموعه‌ای از تضادهای نظام سرمایه‌داری در حادترین شکل آن عمل می‌کنند و حدت این تضادها در مرحله‌ایست که هر آن، امکان بروز یک انفجار اجتماعی و سیاسی و وقوع یک انقلاب وجود دارد.

در ایران، عواقب وحشتناک نظام سرمایه‌داری علاوه بر طبقه کارگر، میلیون‌ها زحمتکشی را که با فقر و تهیدستی روبه‌رو هستند، به مقابله و مبارزه با نظم موجود کشانده است. رژیم دیکتاتوری عریان و دولت دینی که عموم توده‌های مردم را از ابتدائی‌ترین حقوق مدنی و سیاسی محروم کرده است، توده‌های وسیعی را به میدان مبارزه برای سرنگونی رژیم حاکم سوق داده است. در ایران، بنا به علل اقتصادی و سیاسی، تضاد طبقه کارگر با تمام نظم اقتصادی- اجتماعی و سیاسی موجود، از بسیاری از کشورهای جهان حادثتر است.

کارگران ایران، تنها با بیرحمانه‌ترین استثمار، زیر یوغ دیکتاتوری عریان روبه‌رو نیستند، بلکه با وخیم‌ترین شرایط مادی و معیشتی روبه‌رو هستند. جمهوری اسلامی با سیاست اقتصادی موسوم به نئولیبرال که اکنون کوس رسوائی و شکست آن در سراسر جهان به صدا درآمده است، کارگران را به فقر و گرسنگی کم نظیر و محرومیت از ابتدائی‌ترین حق و حقوق کارگری محکوم کرده است. کارگران عموماً در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دستمزد کارگران حتا کفاف حداقل زندگی را نمی‌دهد. سال به سال، سطح معیشت کارگران تنزل کرده است. حداقل دستمزد رسمی که رژیم ارتجاعی حاکم تعیین کرده است، به یک چهارم خط فقر هم نمی‌رسد. متجاوز از ۵ میلیون، از همین حداقل نیز محروماند. این فقر و شرایط معیشتی هولناک، میلیون‌ها کارگر را به عرصه مبارزه علنی و مستقیم سوق داده است که صدها اعتصاب، تظاهرات، راهپیمائی، اشغال کارخانه‌ها، تجمع‌های اعتراضی در مراکز عمومی و در مقابل مؤسسات دولتی، ایجاد راه‌بندان و تظاهرات در جاده‌ها و خیابان‌ها، نمونه‌های بارز آن در طول سالهای اخیراند. این اشکال مبارزات علنی و مستقیم کارگری که اغلب با واکنش نیروی سرکوبگر پلیس همراه بوده است، کارگران را رو در روی رژیم سیاسی حاکم قرار داده است. لذا در ایران به علت حاکمیت رژیم دیکتاتوری عریان، اشکال مبارزات کارگران ولو بر سر مطالبات اقتصادی، غالباً شکلی سیاسی به خود گرفته است. کارگران در روند این مبارزه و رشد آگاهی سیاسی، مطالبات مستقیماً سیاسی را نظیر حق تشکل در دستور کار قرار داده و برای تحقق آن مبارزه کرده‌اند.

ناگفته روشن است، در کشوری که اختناق و دیکتاتوری، عموم توده‌های مردم را از آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک محروم کرده است، رژیم استبدادی، آزادی تشکل را که جزئی جدائی ناپذیر از آزادی‌های سیاسی‌ست، پذیرا نیست. اما کارگران، این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های رژیم استبدادی را زیر پا نهاده و برای ایجاد تشکل‌های مستقل علنی تلاش کرده‌اند. در اینجا دیگر مبارزه کارگران شکلی مستقیماً سیاسی به خود گرفته است. لذا بی‌دلیل نیست که جمهوری اسلامی برای مهار این مبارزه، به وحشیانه‌ترین سرکوب علیه کارگران متوسل شده و همانگونه که در نمونه‌های شرکت واحد و نیشکر هفت‌تپه دیده‌ایم، فعالین سندیکاها را دستگیر و به زندان و اخراج محکوم کرده است. اما رژیم دیکتاتوری و اختناق پاسدار منافع سرمایه‌داران، با این اقدامات سرکوبگرانه، فقط خصلت سیاسی مبارزه کارگران را برجسته‌تر کرده است. اکنون کارگرانی که برای ایجاد تشکل‌های علنی مستقل تلاش و مبارزه می‌کنند، آگاهند که این مبارزه‌ای علیه این یا آن کارفرمای منفرد نیست، بلکه مبارزه‌ای علیه دولت است که نماینده کل طبقه سرمایه‌دار می‌باشد. این مبارزه‌ای علیه رژیم اختناق و دیکتاتوری عریان حاکم بر ایران است. در اینجا مبارزه سیاسی طبقه کارگر، شکلی آگاهانه‌تر به خود گرفته است. از همین روست که به‌رغم تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم، مبارزه کارگران با استواری بیشتری برای ایجاد تشکل‌های مستقل ادامه یافته است. رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا تلاش کرده است، ابتکار عمل کارگران را برای ایجاد

تشکل‌های مستقل علنی در هم شکنند، اما کارگران، به ویژه پیشروترین کارگران، می‌آموزند که خود را به ایجاد تشکل‌های علنی محدود نکنند و برای خنثا سازی تلاش‌های ارتجاعی رژیم و تضمین ادامه کاری در مبارزه‌ای سازمان یافته، به کمیته‌های مخفی کارخانه متکی باشند. این کمیته‌ها نه فقط پشتوانه و نقطه اتکای مستحکمی برای ایجاد تشکل‌های علنی توده‌ای، سازماندهی و رهبری مبارزات پیروزمند کارگران در شرایط کنونی‌ست، بلکه از آنجهت نیز ضروری‌اند که با توجه به بحران‌های متعددی که هم اکنون جامعه و رژیم حاکم با آن روبه رو هستند، می‌توانند سریعاً به شوراها، ارتقاء یابند که یگانه ارگانهای مناسب برای کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگراند. در هر حال آنچه که روشن است، نقش و اهمیتی‌ست که مسئله تشکل در مبارزات کارگران کسب کرده و از همین روست که در اول ماه مه، باید مطالبه تشکل مستقل به همراه افزایش دستمزد که آنهم یک خواست عمومی کارگران است، در محور مطالبات و شعارها قرار گیرد.

رفقای کارگر!

اوضاع اقتصادی و سیاسی در ایران و جهان، چشم‌انداز وقوع بحران‌های سیاسی جدی را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. شرایط سرنگونی نظام سرمایه‌داری، بیش از هر زمان دیگر فراهم می‌شود. سالی پر از مبارزات و تلاطمات سیاسی در پیش است. رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران که تنها راه نجات خود را در تشدید اختناق و سرکوب می‌بیند، امسال نیز به روال سال‌های گذشته تمام تلاش خود را به کار خواهد برد تا مانع از برگزاری علنی مراسم اول ماه مه، این بزرگترین روز عید و شادی کارگران گردد. باید این تلاش‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی را خنثی کرد و روز اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران، روز قدرت‌نمایی اردوی کار در برابر اردوی سرمایه را با راهپیمائی و تظاهرات، جشن گرفت.

سازمان فدائیان (اقلیت) فرا رسیدن اول ماه مه را که تجلی همبستگی جهانی کارگران برای برانداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار نظامی سوسیالیستی‌ست، به عموم کارگران تبریک می‌گوید و سالی سرشار از پیروزی را برای طبقه کارگر آرزو می‌کند.

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران

زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت ماه ۱۳۸۸

کار – نان – آزادی – حکومت شورائی